

# «اردوی پدران و دختران»

تهیه کننده: زیبا ناصرزاده  
مدیر دبیرستان حضرت مریم (س)  
استان ایلام - منطقه بدره

هم‌جوار، افراد سرشناس منطقه، شورای اسلامی منطقه، پدران دانش‌آموزان مدرسه خودمان و مسئولان اداره دعوت به عمل آید تا در مورد موضوع مورد نظر بحث و بررسی انجام شود.

جلسه در موعد مقرر تشکیل شد و خوشبختانه کلیه دعوت شدگان در مدرسه حضور یافتند. جلسه را با این سؤال آغاز کردم: «چه مقدار از وقت‌مان را در اختیار فرزندانمان قرار می‌دهیم و چقدر با آن‌ها دوست و رفیق هستیم؟»

در ادامه جلسه خطاب به اولیا گفتم: «کلید موفقیت تحصیلی و تربیتی فرزندانمان در رفاقت با آنان است و این امر با همکاری اولیای مدرسه تکمیل می‌گردد. فراهم کردن امکانات مادی به تنهایی نمی‌تواند گره‌گشای مشکلات فرزندان ما باشد. آنان بیش از هر چیز به امنیت روانی و تغذیه روحی نیاز دارند. به همین دلیل، انجمن اولیای این مدرسه تصمیم گرفته است که برنامه «اردوی پدران و دختران» را برگزار کند تا از این رهگذر ضمن برقراری رابطه عاطفی عمیق‌تر میان پدران و دختران، میان اولیای مدرسه و والدین دانش‌آموزان تعامل مطلوب‌تری ایجاد شود و نیز مبادله روش‌های تربیتی مؤثر

● به پدر و مادرها بگویید که در خانه به فکر شادابی ما باشند و با هم جنگ و دعوا نکنند.

● من از زندگی تکراری خود خسته شده‌ام و همیشه افسرده و غمگینم. خانواده‌ام مرا درک نمی‌کند.

● به مادرانمان بگویید غذا و پوشاک تنها نیازهای ما نیست، نیاز اصلی ما آرامش است. این را به آنان بفهمانید.

● پدرم مرا دوست ندارد. او همیشه مرا تحقیر می‌کند و اصلاً به فکر من نیست.

● به خانواده‌های ما بگویید این قدر ما را مواخذه نکنند و اجازه دهند از تفریحات سالم استفاده کنیم.

این جملات بخشی از گلایه‌ها و درد دل‌های دانش‌آموزان بود که در صندوق انتقادات و پیشنهادهای مدرسه انداخته شده بود و من به عنوان مدیر مدرسه آن‌ها را در جلسه اولیا و مربیان قرائت کردم و از اولیای محترم خواستم برای حل این قبیل مشکلات راهکارهایی ارائه دهند. اعضای انجمن به اتفاق آرا تصمیم گرفتند در جلسه بعد از رؤسای انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس

پیشرو

دبیرستان حضرت مریم (س)  
مدیر: زیبا ناصرزاده  
تلفن: ۰۷۶۳۳۳۳۳۳  
شماره: ۳۳۳۳۳۳۳۳

میان اولیای محترم صورت پذیرد. انجمن اولیا و مربیان این آموزشگاه از همه شما مدعوین محترم تقاضا دارد برای پیشبرد اهداف تربیتی با ما همراه شوید و برگزاری «اردوی پدران و دختران» يك گام در این مسیر است.»

در پایان جلسه، به پدران دانش آموزان حاضر در جلسه گفته شد در صورت تمایل به شرکت در اردوی مذکور، اسامی خود را به دفتر مدرسه تحویل دهند.

چند روز بعد متوجه شدیم که آمار متقاضیان شرکت در «اردوی پدران و دختران» بالاست و باید اقدام به قرعه کشی کنیم. اما از این کار منصرف شدیم و با اعتقاد به این که «میهمان حبیب خداست»، تصمیم گرفتیم که میزبان خوبی باشیم و همگی را در شادی‌های اردوی يك روزه مدرسه سهیم کنیم. محل اردو را نیز یکی از مکان‌های سرسبز منطقه مان انتخاب کردیم و تصمیم گرفتیم فاصله دو کیلومتری مدرسه تا آن مکان را پیاده طی کنیم. ناگفته نماند دانش آموزانی که از نعمت پدر محروم بودند با مادرانشان در این اردو شرکت کردند.

بالاخره روز اردو فرا رسید. آن روز طبیعت هم شادمان بود. همه پدران دست دخترانشان را در دست گرفته بودند و با لبخند و شادمانی حرکت می‌کردند. از صدای خنده‌های شادمانه و معصومانه دختران و دست‌های نوازشگر پدران، بهار نیز بیدار شده و فرشی از سرسبزی‌های خویش را در زیر گام‌هایمان گسترانیده بود. به محل مورد نظر رسیدیم. بعد از صرف چای و میوه، پدران مشغول بازی‌های قشنگ و جذاب محلی شدند و دختران نیز به تشویق پدرانشان پرداختند. سپس مسابقه پدران و دختران برگزار شد (عکس‌هایی که از این صحنه‌ها به یادگار مانده است بسیار دیدنی است) و بعد از صرف ناهار، اردو با

برگزاری مراسم غاز و دعا به پایان رسید.

این اردو با صرف کم‌ترین هزینه و بدون صرف هزینه برای سرویس رفت و آمد برگزار شد و اولیا و فرزندان‌شان روزی شاد و خاطره‌انگیز را پشت سر گذاشتند. در پایان این اردو اولیا قرار گذاشتند سال آینده نیز در همان روز و در همان مکان این اردو را برگزار کنند این قرار اولیا، نشانگر موفقیت مدرسه در زمینه جلب اعتماد اولیای دانش آموزان بود که از مهم‌ترین اهداف مدرسه در جهت تعلیم و تربیت هر چه مطلوب‌تر دانش آموزان به شمار می‌آید. این اردو در روند تحصیلی دانش آموزان نیز تأثیری نظیر به جای گذاشت، زیرا در امتحانات پایان سال با درصد بالایی قبول شدند.

چند روز پس از برگزاری اردو، صندوق انتقادهای و پیشنهادهای مدرسه را باز کردم. در بین نامه‌ها، به مواردی برخوردیم که بیانگر ارزیابی مثبت دانش آموزان از اردوی مذکور بود:

● از این که با پدرم به اردو رفتم خیلی خوشحالم، چون پدرم متوجه شد که برای تفریح به خرج زیاد و مسافرت طولانی نیاز نیست.

● من شانزده سال دارم و در طول زندگی‌ام هیچ وقت با خانواده‌ام به جای تفریحی نرفته بودم، ولی حضور پدرم در «اردوی پدران و دختران» او را خیلی تغییر داد و ما هفته گذشته به زیارت امامزاده جابر رفتیم.

● پدرم به ما قول داده است که هفته‌ای يك بار ما را برای پیاده‌روی به کوه ببرد و این کار در روحیه مادرم تأثیر خیلی خوبی گذاشته است و من از مدرسه ممنوم.

